فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۹، شماره ۳، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۱۳۶-۱۱۱

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر عوامل اقتصادی بر نزاع دسته‌جمعی در استان‌های کشور در طول دهه ۱۳۹۰

دکتر اسماعیل جهانی دولت‌آباد[۱]، دکتر طاها عشایری[۲]، دکتر حسین حیدری[۳]

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

چکیده:

نزاع دسته‌جمعی به تنش، تضاد و تخاصم فیزیکی و نبردهای گروهی گفته می‌شود که تحت تأثیر شرایط کلان و ساختاری قرار می‌گیرد؛ در کنار سایر مؤلفه‌ها؛ مسائل اقتصادی از اثرگذارترین امر در شدت یافتن و افزایش آن تلقی می‌شود. در این میان نتایج بررسی بین سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ گویای افزایش تمایل به نزاع جمعی در سطح کشور داشته و عمده استان‌ها با میزانی از این پدیده درگیر و مواجه بوده‌اند. بر همین اساس هدف اصلی تحقیق بررسی جامعه‌شناختی تأثیر عوامل و مسائل اقتصادی بر ظهور و تداوم نزاع دسته‌جمعی در ایران از سال ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ به روش تحلیل ثانویه و پیمایش داده‌های ملی است. روش پژوهش از نوع تحلیل ثانویه بوده و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS ۲۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و یافته‌ها در دو بخش توصیفی (جداول فراوانی، نمودارهای فراوانی و شاخص‌های مرکزی) و استنباطی (آزمون‌های دو متغیره و چند)، گزارش و تبیین شده است. به‌طور کلی پژوهش حاضر مؤید ارتباط معنی‌داری میان تغییرات مسائل کلان اقتصادی با روند نزاع جمعی در استان‌های کشور است. فرضیه‌های فرعی نشان دادند که با افزایش ضریب جینی؛ شدت یافتن بیکاری (کاهش بسترهای کسب و کار و اشتغال) و بالا رفتن نرخ تورم و نوسان آن؛ در فاصله زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰، جامعه ایران با افزایش مسئله نزاع دسته‌جمعی در سطح کشور مواجه بوده است.

مفاهیم کلیدی: *محرومیت اقتصادی، فشارهای اجتماعی، سرخوردگی، نرخ تورم، نزاع دسته‌جمعی*

---

[۱] دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول) sml.jahani@gmail.com

[۲] استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران t.ashayeri@gmail.com

[۳] عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران heidari@acecr.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

اقتصاد را علم صرفه‌جویی و علم اقتصاد را مطالعه رفتار مردم در برخورد با امر خرید، مصرف و پس‌انداز تعریف کرده‌اند. اقتصاد با رفتار و کنش‌های انسانی معنا یافته (*Purfaraj & et. al, 2014*) و یکی از مباحث مهم در نظریه‌پردازی علم اقتصاد، تعامل بین انسان و ساختار اقتصادی و تأثیرپذیری رفتاری اوست. در دیدگاه اقتصادی، انسان افزون کننده منفعت شخصی از نظر مادی بوده و این امر به انگیزه مالی انسان بستگی دارد (*Noori & Mivehchi, 2016*). مقوله اقتصادی، تعیین‌کننده کنش و رفتار اجتماعی روزمره شهروندان بوده و آن را به لحاظ شادکامی، نشاط، نفرت، خشونت، خوشی، لذت و رضایت اجتماعی و کیفیت زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌طوری‌که میزان خشونت و نزاع جمعی در هنگام کمیابی و بحران اقتصادی تابع تغییرات کلان اقتصادی است. نزاع جمعی پدیده‌ای برخاسته از جامعه انسانی و ساختار فرهنگی است که تحت تأثیر شرایط اقتصادی نیز قرار می‌گیرد (*McGuirk & Burke, 2017*). منابع توسعه‌ای و بحران منابع ازجمله کمیابی، فشارهای زیستی و اقتصادی؛ تعیین‌کننده‌ترین امر هستند (*Brauman, 2000*). توسعه و شکوفایی اقتصادی؛ ترویج شادکامی در جامعه، از شدت خشونت ممانعت می‌کند، هر زمان میزان بیکاری و وخامت مالی بیشتر شود، مردم به‌سوی کنش‌های رادیکالی و خطرناک سوق داده می‌شوند (*Mishko & et. al, 2013*). اقتصاد کلان و ساختاری، نقش اساسی را در مسائل خرد و فردی ایفا کرده و رفتارهای اجتماعی تابعی از این مؤلفه اقتصادی است. نظریه خیر محدود نقش محرومیت اقتصادی را در بروز نزاع و خشونت اجتماعی مهم تلقی کرده و بر این تأکید دارند که با کاهش میدان اقتصادی و مسدود شدن فرصت‌های کافی برای دست‌یابی به چیزهای خوب (زمین، ثروت، قدرت، منابع اقتصادی)، رفتارهای عادی به رفتاری غیر عادی، خشن و مخرب تبدیل می‌شود. ریشه خشونت جمعی در سرخوردگی و ناامیدی از رسیدن به هدف مرسوم است. درجایی که اهداف اجتماعی مسدود شوند، سطح سازگاری فرد با ساختار کاهش یافته و در نتیجه انحراف و کنش‌های متضاد با نظام اجتماعی (شورش، طغیان، غزلت و ناسازگاری) به وجود می‌آید. این نشانگر کاهش فرصت‌های اجتماعی و کانال‌های پاسخ به مطالبه‌های اجتماعی است (*Merton, 1938*). وقتی جامعه با بحران توسعه مواجه می‌شود، شکنندگی محیطی (خشک‌سالی، کاهش منابع توسعه پایدار، ناامنی غذایی و کاهش ظرفیت زمین‌های قابل‌کشت)، سرمایه اجتماعی را تضعیف می‌کند، آن‌ها با همدیگر بر سر کنترل بیشتر بر منابع حیاتی دچار چالش و تضاد شده و برای عبور از بحران اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی خود به سمت خشونت می‌روند (*Agbola & Alabi, 2003*). هر چه در

جامعه محرومیت اجتماعی (شکاف طبقاتی، سطح رفاهی پایین، ناکامی‌ها و شکست) زیادتر شود، احتمال پرخاشگری، خشونت و ستیز اجتماعی نیز افزایش می‌یابد، دلیل آن تاب‌آوری اجتماعی پایین به خاطر فشارهای اجتماعی و اقتصادی است (*Aqeli KohnehShari & Emam Gholipour, 2007; Moridi, 2011*). مطالعات نشان می‌دهد که جامعه با ساختار اقتصادی ضعیف (فقر اقتصادی، بیکاری بالا، بحران نیازهای اساسی اولیه)، دارای تاب‌آوری پایین بوده و احتمالاً رفتارهای منجر به خشونت نیز بالاتر است. هرچه جامعه نابرابر اجتماعی ـ اقتصادی بیشتری داشته باشد، احتمال خشونت جمعی، کشمکش قومی و تضاد اجتماعی به دلیل احساس حقارت، محرومیت نسبی، دغدغه غذایی و بحران سلامت و کیفیت زندگی، نیز افزایش می‌یابد (*Wilkinson & Pickett, 2014*). آمارهای رسمی بین سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که به‌طور میانگین در سال ۵۷۵۲۲۸ مورد نزاع در استان‌های کشور به ثبت رسیده و این شاخص ۷/۱۲ مورد در هر هزار نفر است. با وجود نوسانات کلی؛ روند منازعه جمعی صعودی و در حال افزایش بوده و در فهم دلایل صعودی بودن این شاخص‌ها طی سال ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰؛ پژوهش حاضر به تبیین ارتباط مسائل کلان اقتصادی با نزاع جمعی (خشونت اجتماعی)، پرداخته است. اینکه آیا شاخص‌های کلان اقتصادی بر گرایش به نزاع جمعی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ تأثیر داشته است؟ آیا متغیر ناخالص داخلی بر گرایش به نزاع جمعی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ تأثیر داشته است؟ آیا متغیر ضریب جینی بر گرایش به نزاع جمعی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ تأثیر داشته است؟ آیا متغیر نرخ بیکاری بر گرایش به نزاع جمعی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ تأثیر داشته است؟ آیا متغیر نسبت اشتغال بر گرایش به نزاع جمعی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ تأثیر داشته است؟ آیا متغیر مشارکت اقتصادی بر گرایش به نزاع جمعی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ تأثیر داشته است؟ آیا متغیر نرخ تورم بر گرایش به نزاع جمعی در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ تأثیر داشته است؟

مبانی و رویکردهای نظری

نزاع جمعی: نزاع به معنای پرخاشگری جمعی (*Seddigh Sarvestani, 2008*)؛ تحمیل اراده خود بر دیگری علی‌رغم مقاومت (*Weber, 2009*)؛ داشتن اختلاف (*Dehkhoda, 1962*) معنی شده است. نزاع جمعی به درگیری بیش از دو نفر به‌صورت گروهی، طایفه‌ای و قومی می‌گویند که به‌صورت مسلحانه یا غیر مسلحانه است (*Kiani & Fazeli, 2021*). نزاع

جمعی به کشمکش و ستیز بین گروه‌های متنبی بر ساختار طایفه‌ای، قومی و جمع‌گرایی عمودی (سلسله مراتبی) گویند که مرتبط با وجدان جمعی، جامعه مکانیکی، عصبیت اجتماعی و هنجارهای سنتی است (*Ashayeri, 2023*).

شاخص‌های کلان اقتصادی: شاخص‌های اقتصادی[1] به بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی، بهبود شرایط اشتغال، کاهش فقر و بیکاری، افزایش رفاه اجتماعی و بهبود شرایط زندگی جامعه پرداخته و در این پژوهش متغیرهای تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی، نرخ بیکاری، نسبت اشتغال، مشارکت اقتصادی و نرخ تورم به‌مثابه مؤلفه و ابعاد شاخص کلان اقتصادی تعریف نظری و عملیاتی شده‌اند.

تولید ناخالص داخلی[2]*:* تولید ناخالص داخلی ارزش پولی خدمات و کالاهای تولید شده در داخل مرزهای کشور طی یک‌فاصله زمانی معین (یک سال) را اندازه‌گیری می‌کند (*Azadarmaki & Shojaei, 2019*).

ضریب جینی: ضریب جینی متداول‌ترین شاخص نابرابری درآمدی بوده و نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد در جامعه به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد کاملاً ناعادلانه است (*Kafaie & Nasiri, 2010*).

نرخ بیکاری: بیکار به فرد جویای کار بدون کار، سن کار (۶۵-۱۵) بیکار اطلاق می‌شود که بیشتر ناشی از افزایش جمعیت و کمبود تقاضای نیروی کار؛ گسترش صنعت مدرن و تبدیل جوامع سنتی به صنعتی است (*Iran statistical Center, 2023*). این نرخ تعداد از افرادی که به دنبال کار هستند، هنوز شغلی پیدا نکرده‌اند؛ را نشان داده و به‌صورت درصدی از کل نیروی کار فعال یک کشور یا منطقه محاسبه می‌شود که نشانگر عدم توانایی افراد در پیدا کردن شغل و میزان مشارکت در تولید کل یک اقتصاد است.

نسبت اشتغال: نسبت اشتغال نقطه مقابل نرخ بیکاری بوده و وضعیت اشتغال افراد فعال در جامعه را نشان می‌دهد. این نرخ در کنار سایر متغیرهای اقتصادی، برای سنجش سلامت اقتصاد کشورها بسیار کاربردی بوده و از تقسیم تعداد افراد شاغل بر تعداد کل افراد در سن کار محاسبه می‌شود.

مشارکت اقتصادی: تمام افراد ۱۵ ساله و بیشتر (حداقل سن تعیین‌شده) که در هفته تقویمی قبل از هفته آمارگیری (هفته مرجع) طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده‌اند (بیکار)، جمعیت فعال

[1] economic indicators
[2] gross domestic product

اقتصادی محسوب می‌شوند. این نرخ درصد جمعیت فعال به جمعیت هدف را نشان می‌دهد، جمعیت فعال به تمام افرادی می‌گویند که در زمان مرجع شاغل و یا بیکار باشد و جمعیت هدف به افراد در سن کار گفته می‌شود (*Banihashemi & Mohammadi, 2011*).

نرخ تورم: افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، تورم نامیده می‌شود و فرایندی است که در آن ارزش پول ملی به‌صورت مدام کاهش‌یافته و نشانه‌ای از بی‌ثباتی اقتصادی، ناکارایی سیاست پولی است (*Arman & et. al, 2017*). تورم ناشی از وضعیتی است که در شاخص اقتصادی، سطح عمومی قیمت‌ها به‌طور بی‌رویه، بی‌تناسب و مداوم و غیرقابل‌بازگشت افزایش یافته و باعث کاهش پس‌انداز مالی و قدرت خرید مصرف‌کنندگان است. مهم‌ترین پیامدهای آن چشم‌پوشی از خرید کالاها و خدمات و چشم‌پوشی اجباری از مصرف و یا پس‌انداز اجباری است (*Piraee & et. al, 2013*).

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

عشایری (۱۴۰۳)، طرحی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی نزاع دسته‌جمعی در استان اردبیل» را انجام داده است. نتایج حاصل از یافته‌های نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین در قالب شرایط علی (مردسالاری جامعه؛ ناکامی و سرخوردگی اجتماعی؛ پیوندهای خویشاوندی (جمع‌گرایی عمودی)؛ کمیابی منابع؛ بحران منابع توسعه‌ای؛ حق آبه؛ مراتع و چراگاه قشلاقی ـ ییلاقی؛ اختلافات ملکی ـ زراعی؛ محرومیت نسبی (تله محرومیتی فقر)؛ بیکاری؛ بحران فضای کسب و کار؛ کژکارکردی نظام آموزشی)؛ شرایط زمینه‌ای (تغییرات اقلیمی (آب و هوایی)؛ محیط طبیعی خشن؛ گذشته تاریخی جامعه؛ محیط سنتی (روستا)؛ طبقه شغلی؛ اعتماد درون‌گروهی؛ مسائل ناموسی)؛ شرایط مداخله‌گر (فروپاشی منزلت و حرمت اجتماعی ریش‌سفیدان؛ نخبگان اجتماعی ـ سنتی؛ ناکارآمدی مدیریت شورایی (دولتی شدن نظام کنترلی)؛ ناکارآمدی شورای حل اختلاف؛ کژکارکردی کنترل رسمی؛ کمبود قضات زبده و متخصص؛ تصور خیر محدود؛ داغ ننگ ایلی؛ عصبیت طایفه‌ای؛ باورهای مذهبی؛ فرهنگ مدارای پایین؛ فروپاشی اخلاقی جامعه؛ فرهنگ انتقام‌جویی و دلاورمردی؛ فرهنگ دیگر هراسی ـ خودنمایی؛ اضطراب بقاء (وجودی)؛ فقر فرهنگی؛ باورها و الگوهای طایفه‌ای)؛ استراتژی‌های پژوهش (عادت‌واره سنتی؛ پیوندهای امنیتی (ازدواج فرمایشی)؛ فروپاشی هنجارهای سنتی؛ سنت‌پرستی و عرف‌گرایی)؛ پیامدهای حاصل از مسئله (بی‌تفاوتی اجتماعی؛ شیوع بی‌نزاکتی مدنی؛ مناسکی شدن نزاع جمعی؛ پروسه طولانی پرونده‌های قضایی؛

فرسایش سرمایه اجتماعی (قضایی ـ انتظامی)؛ بحران نظام کنترل اجتماعی) تحلیل و شناسایی شده‌اند (*Ashayeri, 2024*).

نتایج مطالعه افشانی و همکاران (۱۳۹۷)، در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهر لردگان نشان می‌دهد که پرخاشگری، اختلافات ملکی، خویشاوندگرایی، تجربه عینی نزاع و جنس با متغیر وابسته هست. همچنین نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که متغیرهای پرخاشگری و اختلافات ملکی به ترتیب با ضریب بتاهای (۰/۵۵۴) و (۰/۱۳۵)، بیشترین نقش را ظهور و افزایش نزاع جمعی داشته‌اند (*Afshani & et. al, 2018*).

طالب و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان مطالعه کیفی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: شهرستان ایذه) نشان می‌دهد که نزاع دسته‌جمعی یکی از مسائل و پدیده‌های قدیمی بوده که در اجتماعات سنتی و مبتنی بر ساختار طایفه‌ای به قوت خود باقیمانده و در این میان؛ تعصبات طایفه‌ای، جمع‌گرایی عمودی، همبستگی درون‌گروهی، پیوندهای خویشاوندی، مسائل ناموسی، عمومی شدن خشونت و نزاع، نخبگان نزاع، اختلافات ملکی، بیکاری، رقابت نخبگان، فروپاشی ساختار سنتی مدیریت، بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی، آگاهی از محرومیت، تجربه عینی نزاع (مشاهده و مشارکت) و مسائل و خاطرات ناخوشایند گذشته بستر و زمینه نزاع دسته‌جمعی را تقویت نموده است (*Taleb & et. al, 2017*).

ب) تحقیقات خارجی

Rohner (2018) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که نقش فقر و شوک‌های اقتصادی و شرایط نامطلوب اقتصادی جامعه در درگیری‌ها حائز اهمیت است. تعداد قابل توجهی از مطالعات، همبستگی قوی بین تولید اقتصادی و درگیری را نشان داده و تأکید کرده‌اند که فقر، بیکاری و فشار اقتصادی زمینه‌ساز قدرتمندی برای جنگ و درگیری است، زیرا هم نارضایتی را گسترش داده و هم هزینه فرصت مربوط به ترک یک فعالیت تولیدی به منظور پیوستن به یک جنبش شورشی را کاهش می‌دهد. کاهش رشد اقتصادی، ممکن است محرک قدرتمندی برای خشونت مسلحانه باشند.

Beyene (2014) در تحقیقی با عنوان"عوامل اجتماعی ـ اقتصادی به‌عنوان علل و راه حل‌های درگیری جامعه‌سان در پلاتفونتین" بر اساس داده‌های اولیه جمع‌آوری شده از مصاحبه‌های فردی و بحث‌های گروهی متمرکز انجام‌شده در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ نشان

داد که عوامل اجتماعی ـ اقتصادی هم علت درگیری هستند و هم به‌عنوان راه‌حل‌هایی برای کاهش درگیری عمل می‌کنند. سلب مالکیت زمین‌ها، افزایش افراد بیکار، نبود زمینه‌های رقابت شغلی و افزایش مشکلات اقتصادی جامعه، دال بر شدت یافتن خشونت داخلی هستند. افزایش فاصله اجتماعی همراه با رقابت برای شغل و مسکن، تنش‌ها و اختلافات بین جوامع را افزایش می‌دهد.

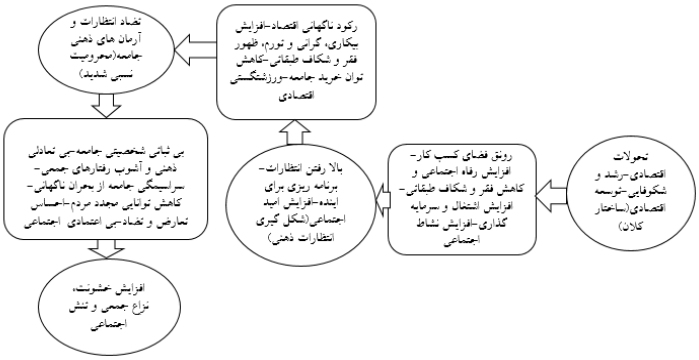
Nikolaos (2013) در کتابی با عنوان "محرک‌های اقتصادی برای نزاع و درگیری مسلحانه" نشان داد که درگیری‌های مسلحانه موقعیت‌های پیچیده‌ای هستند که از مجموعه‌ای از شرایط سیاسی، اقتصادی، تاریخی و روانی ناشی می‌شوند و معمولاً نمی‌توان آنها را با ارجاع به علل واحد توضیح داد. انگیزه‌های اقتصادی به تمام ملاحظات و انگیزه‌های مادی اشاره دارد که باعث می‌شود گروه‌ها برای دستیابی به اهداف خود به استفاده از زور متوسل شوند. انگیزه‌های اقتصادی ممکن است بسته به نوع درگیری مورد نظر، یعنی اینکه آیا یک درگیری از مرزهای ملی فراتر می‌رود (درگیری بین‌المللی در مقابل داخلی) و اینکه آیا طرف‌های مقابل آن بازیگران دولتی یا غیردولتی هستند، بسیار متنوع باشند. به طور کلی، دسترسی به منابع اقتصادی و منابع کمیاب،افزایش بیکاری و فقر، نگرانی‌ها در مورد تأثیر وابستگی متقابل اقتصادی و رشد جمعیت، شایع‌ترین علل اقتصادی وقوع جنگ‌ها بوده‌اند، همچنین به لحاظ روانی در حالی که «حرص و طمع» و تشدید «نارضایتی‌ها» انگیزه‌های اصلی درگیری‌های داخلی محسوب می‌شوند.

نظریه تله فشار و محرومیت اقتصادی

نظریه محرومیت نسبی[1] در توضیح علل اعتراضات و تعارضات قومی کشمکش و تضاد اجتماعی کاربرد دارد (*Rabbani & el. al, 2009*). محرومیت نسبی با ایجاد فشار اجتماعی در جامعه، بسترهای ستیز و کشمکش را مهیا می‌کند. مطابق نظریه فشار[2]؛ فشارهای اجتماعی می‌تواند شهروندان را به خشونت ترغیب کنند (*Ghaffari, 2012*). فعالیت مجرمانه نتیجه مستقیم حال‌های اثرگذار منفی مانند خشم و احساسات ناخوشایند‌است که به دنبال روابط اجتماعی مخرب ظاهر می‌شود. فشار وارد شده بر فرد، تمایل به کج‌رفتاری را در وی ایجاد می‌کند (*Momtaz, 2002*). محرومیت نسبی به تولید فشار اجتماعی منجر می‌شود، به مرور آنومی اجتماعی در جامعه پدیدار می‌گردد. دورکیم در «تقسیم‌کار اجتماعی»، آنومی را

[1] relative deprivation
[2] strain theory

پدیده‌ای مربوط به جوامع در حال گذار از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیک، دانسته بود. از نظر وی، تقسیم کار اجتماعی فزاینده، از طریق همبستگی ارگانیک، انسجام اجتماعی را تأمین می‌کند، اما جایی که تغییرات اقتصادی سریع‌تر از آن هستند که تنظیمات اخلاقی قادر به هماهنگی با تخصصی شدن فزاینده باشند، بی‌هنجاری یا آنومی در تقسیم کار، رخ می‌دهد (*Giddens, 2008*). بر اساس این تئوری، عدم دسترسی به درآمد کافی و معیشتی و عدم برخورداری از سطح رفاه اجتماعی بالا در شرایط بحران اقتصادی، به‌عنوان منابع فشاری هستند که در صورت غیاب برخی عوامل محافظت‌کننده، فرد را به سمت خشونت سوق می‌دهند. چنانچه در راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی ایجاد شود؛ آنان دچار محرومیت نسبی شده و نتیجه طبیعی و زیستی این وضع، آسیب رساندن به منبع محرومیت یا اقدام به پرخاشگری اجتماعی است. به‌طورکلی، نارضایتی اجتماعی (بی‌عدالتی اقتصادی ـ اجتماعی، انباشت فشارهای روانی، عدم پاسخ به نیازها و مطالبات اجتماعی ـ اقتصادی) علت اساسی تضاد اجتماعی است. خشونت‌های جمعی حاصل از محرومیت نسبی، موجب اختلال و بی‌نظمی اجتماعی می‌شوند. منبع عمده ظرفیت انسانی برای خشونت، ساز و کار سرخوردگی ـ پرخاشگری است. خشم برخاسته از سرخوردگی نیرویی انگیزشی است که انسان‌ها را مهیای پرخاشگری ـ صرف‌نظر از جنبه‌های ابزاری آن می‌سازد (*Gurr, 2011*). دیویس با طرح ایده محرومیت نسبی که پس از یک دوره رونق و رشد اقتصادی حاصل می‌شود؛ بی‌نظمی اجتماعی را تبیین می‌کند. دیویس در نظریه خود رفاه و پیشرفت اقتصادی درازمدت را با بحران و رکود اقتصادی که موجب کاهش امکانات اقتصادی می‌گردد، برای توضیح خشونت ترکیب می‌کند. چنین فراز و نشیب اقتصادی و اجتماعی نخست توقع امکان ارضاء همیشگی نیازهای فزاینده را ایجاد می‌کند و سپس وقتی واقعیت آشکار نمی‌تواند پابه‌پای توقعات پیش رود حالت فکری اضطراب و ناکامی پدید می‌آید (*Ghaffari, 2012*).



شکل ۱: الگوی نظری فشار و محرومیت اجتماعی و ظهور نزاع جمعی

Figure 1: *Theoretical Model of Social Pressure and Deprivation and the Emergence of Collective Conflict*

فرضیات پژوهش

الف) فرضیه اصلی

- بین متغیر شاخص‌های کلان اقتصادی و گرایش به نزاع جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ب) فرضیه‌های فرعی

- بین متغیر ناخالص داخلی و گرایش به نزاع جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیر ضریب جینی و گرایش به نزاع جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیر نرخ بیکاری و گرایش به نزاع جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیر نسبت اشتغال و گرایش به نزاع جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیر مشارکت اقتصادی و گرایش به نزاع جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیر نرخ تورم و گرایش به نزاع جمعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر بر حسب ماهیت و هدف آن، از نوع تحلیل ثانویه بوده و واحد تحلیل آن استان‌های کشور طی فاصله زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ است. در گام اول، داده‌های مربوط به متغیرهای اقتصادی از آمارهای مرکز آمار ایران اخذ و اطلاعات مربوط به متغیر نزاع از آمارهای سازمان پزشکی قانونی کشور استخراج گردیده است. مهم‌ترین شاخص‌های کلان اقتصادی به‌مثابه متغیرهای مستقل در این تحقیق شامل نرخ تورم، نرخ بیکاری، تولید

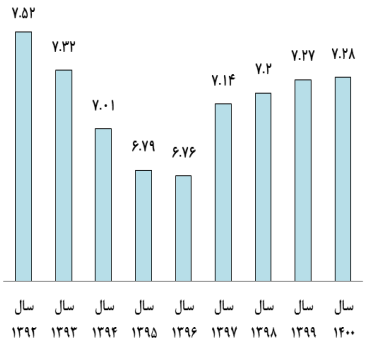
ناخالص داخلی، ضریب جینی، نسبت اشتغال و نرخ مشارکت اقتصادی هستند که در یک دوره نه ساله از ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ مد نظر قرار گرفته و با بهره‌گیری از این داده‌ها؛ فرضیه‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای انجام مطالعه حاضر، نمره هر کدام از استان‌های کشور در شاخص‌های مورد بررسی در دوره زمانی یاد شده گردآوری شده و این داده‌ها در قالب نرم‌افزار *SPSS* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که مقایسه آماری‌های مربوط به شاخص‌های یاد شده و تحولات آن با تمام جزئیات مورد بررسی قرار گیرد. قابل ذکر است، در این پژوهش هم میانگین نرخ شاخص‌ها در طول سال‌های مورد بررسی و هم تغییرات این شاخص‌ها در طول این زمان مدنظر قرارگرفته است.

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر بعد ورود داده‌ها به نرم‌افزار *SPSS 25*؛ در دو بعد کلی توصیفی و تبیینی ارائه و تحلیل شده است.

الف) یافته‌های توصیفی

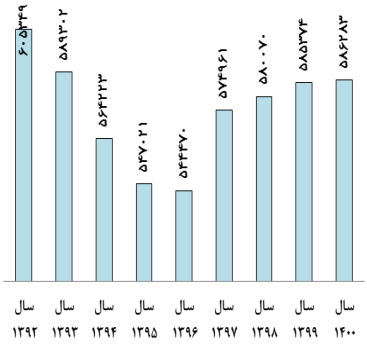
اطلاعات نمودارهای ۱ و ۲ حاکی از آن است که در بازه زمانی مورد بررسی، یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، به‌طور متوسط سالانه ۵۷۵۲۲۸ مورد نزاع (۷.۱۲ مورد در هر هزار نفر) ثبت شده است؛ اما با این حال، آمارهای کلی نزاع در دوره زمانیِ یاد شده با نوساناتی همراه بوده است.



نمودار ۱: نرخ نزاع (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

Chart 1: *Trend of Conflict Rates (2013-2021)*

(***Source:*** *Statistics of the Forensic Medicine Organization*)

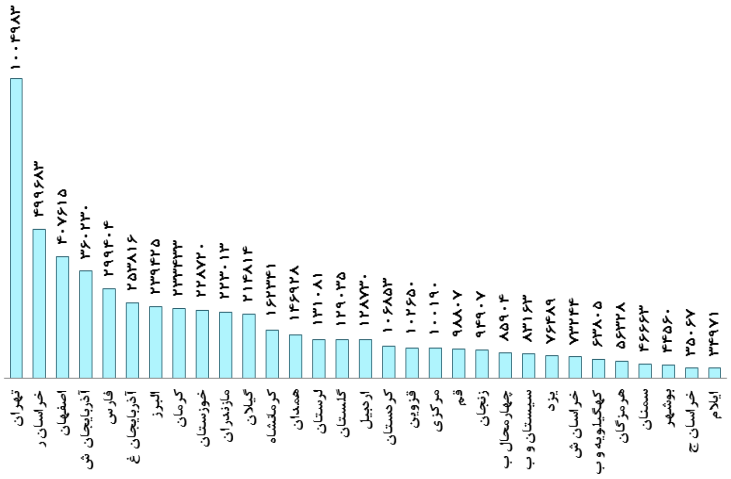


نمودار ۲: تعداد نزاع (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

Chart 2: *Number of Conflicts (2013-2021)*

(***Source:*** *Statistics of the Forensic Medicine Organization*)

این رقم برای سال ۱۳۹۲ عددِ ۶۰۵۳۴۹ (۷.۴۵ مورد در هر هزار نفر) را نشان می‌دهد که بالاترین میزان در بین سال‌های مورد بررسی محسوب می‌شود؛ اما این عدد در طول سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ روندی نزولی در پیش‌گرفته و در این سال به ۵۴۴۴۷۰ (۶.۶۸ مورد در هر هزار نفر) مورد تقلیل یافته است که کمترین میزان ثبت شده در دوره یاد شده قلمداد می‌شود. همچنین، اطلاعات نمودار نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ تغییرات میزان‌های نزاع روندی متفاوتی داشته و سیر صعودی به خود گرفته است (نمودار ۱ و ۲).



نمودار ۳: میانگین تعداد نزاع (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

Chart 3: *Average Number of Conflicts (2013-2021)*

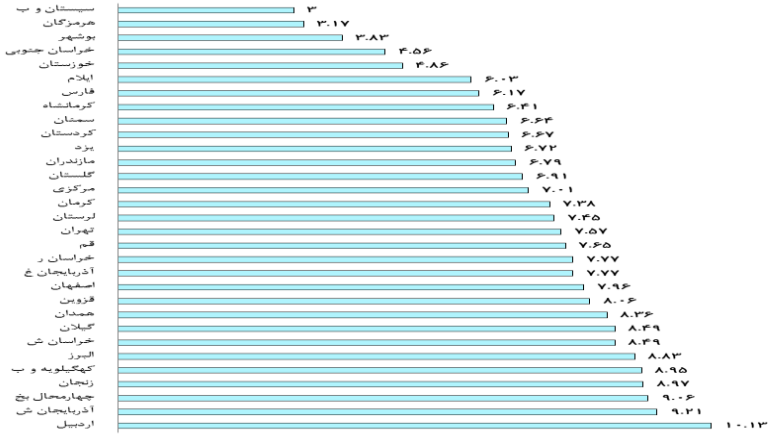
*(**Source:** Statistics of the Forensic Medicine Organization)*

همان‌طور که مشاهده می‌شود، استان تهران با ثبت میانگین بیش از ۱۰۰ هزار مورد در سال با اختلاف زیاد از سایر استان‌ها رتبه نخست را در این حوزه به خود اختصاص داده است. سه استان بزرگ خراسان رضوی، اصفهان و آذربایجان شرقی در رتبه‌های بعدی از منظر میزان‌های نزاع قرارگرفته‌اند؛ اما در انتهای نمودار، استان‌های ایلام، خراسان جنوبی، بوشهر و سمنان به ترتیب کمترین میزان نزاع در سال‌های مورد بررسی را به خود اختصاص داده‌اند (نمودار ۳).

اما آشکار و واضح است که بررسی میزان‌های نزاع در استان‌های کشور بدون توجه به آمارهای جمعیتی آن‌ها نمی‌تواند دلیل کافی برای مقایسه وضعیت استان‌ها فراهم نماید. برای این هدف، در بررسی حاضر سعی شده تا آمارهای نزاعِ استان‌ها در ارتباط با تعداد جمعیت

آن‌ها مدنظر قرارگرفته و میانگین نرخ نزاع برای هر استان محاسبه گردد. این عدد در اصل نشان‌دهنده این است که در سال‌های مورد بررسی در هر استان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر به‌طور متوسط چند مورد نزاع به ثبت رسیده است. نتایج این بررسی به‌طور خلاصه در نمودار ۴ نمایش داده شده است (نمودار ۴).

طبق داده‌های نمودار ۴، در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ متوسط نرخ سالیانه نزاع در کل کشور ۷.۱۲ بوده است و مقایسه وضعیت استان‌ها از منظر شاخص یاد شده نیز نشان می‌دهد که استان اردبیل با ثبت متوسط نرخ نزاعِ نزدیک به ۱۰ رتبه اول را از این منظر دارا بوده است. طبق این آمارها، استان‌های چهارمحال بختیاری، آذربایجان شرقی و کهگیلویه و بویر احمد به ترتیب با نرخ‌های متوسطِ ۹.۱۶، ۹.۱۴ و ۸.۹۹ در رتبه‌های بعدی قرارگرفته‌اند. به‌طور کلی، نتایج حاکی از آن است که از بین استان‌های ۳۱ گانه کشور ۱۷ استان دارای نرخ‌های نزاعِ بالاتر از میانگین کشوری و ۱۴ استان (شامل استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر، خراسان جنوبی، خوزستان، ایلام، فارس، کرمانشاه، سمنان، کردستان، یزد، گلستان، مازندران و مرکزی) دارای نرخ‌های پایین‌تر از میانگین کشوری هستند (نمودار ۴).



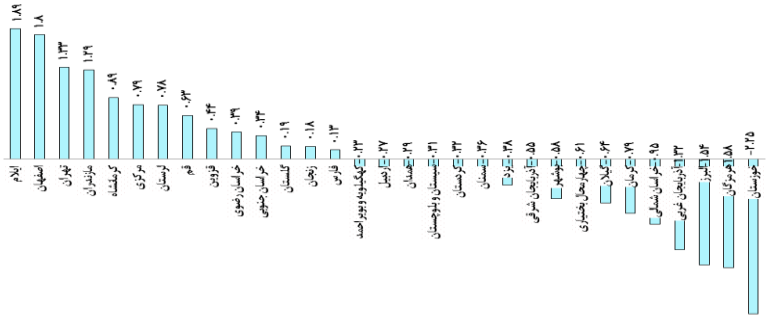
نمودار ۴: میانگین نرخ نزاع (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

Chart 4: *Average Conflict Rate (2013-2021)*

*(**Source:** Statistics of the Forensic Medicine Organization)*

نمودار ۵ تغییرات نرخ نزاع را بر حسب تفکیک استان‌های کشور در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ نمایش می‌دهد. طبق اطلاعات فوق، نرخ نزاع در ۱۴ استان‌های کشور در طول دوره

فوق روندی افزایشی داشته که از این میان، استان‌های ایلام، اصفهان، تهران و کرمانشاه به ترتیب با میزان تغییرِ ۱.۸۹، ۱.۸۰، ۱.۳۳ و ۱.۲۹ بیشترین افزایش نرخ نزاع را تجربه کرده‌اند. همچنین، نرخ نزاع در ۱۷ مورد از استان‌های کشور در طول دوره مورد بررسی کاهش یافته که از این میان، استان‌های خوزستان، هرمزگان، البرز و آذربایجان غربی به ترتیب با میزان‌های تغییرِ ۲.۲۵-، ۱.۵۸-، ۱.۵۴- و ۱.۳۳- بیشترین میزان کاهش در نرخ نزاع را ثبت کرده‌اند (نمودار ۵).



نمودار ۵: تغییرات نرخ نزاع (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

Chart 5: *Changes in Conflict (2013- 2021)*

Source: *Statistics of the Forensic Medicine Organization*

اما همان‌طور که اشاره شد، بخش دیگرِ مطالعه حاضر به شاخص‌های اقتصادی استان‌ها مربوط است که به منظور فراهم نمودن شرایط هم‌زمانی در داده‌ها، این شاخص‌ها نیز در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفته است. این شاخص‌ها شامل سرانه تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی، نرخ بیکاری، نسبت اشتغال، نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ تورم هستند که میانگین این شاخص‌ها در دوره یادشده و همچنین، میزان تغییرات آن‌ها در طول این دوره در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱ خلاصه‌ای از وضعیت استان‌های کشور در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ را بر اساس شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این جدول، متوسط نرخ بیکاری در دوره زمانی یاد شده عدد ۱۱.۹۴ را نشان می‌دهد که استان‌های اصفهان، البرز، چهار محال بختیاری، خوزستان، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، گیلان و لرستان دارای نرخ‌های بالاتر و استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، بوشهر، تهران،

خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کرمان، گلستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان و یزد دارای نرخ‌های بیکاری پایین‌تر از متوسط کشوری بوده‌اند. همچنین، طبق این آمارها، بالاترین نرخ بیکاری (۲۰.۷۹) در دوره یادشده مربوط به استان گیلان و پایین‌ترین نرخ (۷.۷۶) مربوط به استان‌های خراسان جنوبی بوده است و اختلاف قابل‌توجه ۱۳ درصدی بین نرخ‌های بیکاری این استان‌ها مشاهده می‌شود. از منظر تغییرات نرخ بیکاری نیز استان هرمزگان بیشترین افزایش (۴.۸ درصد) و استان فارس بیشترین کاهش (۱۰.۹ درصد) را در طول دوره موردبررسی تجربه کرده‌اند.

از سوی دیگر، آمارهای مربوط به نرخ تورم ۱۲ ماهه در سال ۱۳۹۲ عدد ۲۹.۵ را برای کل کشور نشان می‌دهد که این عدد در نیمه اول دهه نود روند نزولی داشته و در سال ۱۳۹۵ به ۶.۹ درصد رسیده ولی مجدداً سیر صعودی گرفته و به ۴۰.۲ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. میانگین نرخ تورم در طی این دوره نه ساله ۲۴.۱۴ درصد هست. همچنین، این آمارها نشان می‌دهد که وضعیت استان‌های کشور از نظر نرخ تورم نیز متفاوت بوده است. طبق این آمارها، استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، چهارمحال بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، گلستان، لرستان، مرکزی، هرمزگان، همدان و یزد دارای نرخ تورم بالاتر از متوسط کشوری بوده و سایر آستان‌ها نرخ‌های پایین‌تر از میانگین کشوری را تجربه کرده‌اند. در این دوره زمانی استان چهار محال بختیاری با میانگین نرخِ تورم ۲۷.۱۳ درصد بالاترین و استان سمنان با میانگین نرخ ۲۲.۸ درصد پایین‌ترین میزان تورم را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، بیشترین رشد تورم در دوره یاد شده به میزان ۱۹.۱ درصد مربوط به استان کهگیلویه و بویر احمد و کمترین رشد (۰.۰۴- درصد) مربوط به استان سیستان و بلوچستان بوده است.

بخش دیگر اطلاعات جدول ۱ حاکی از آن است که متوسط نرخ مشارکت اقتصادی در کل کشور در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ برابر با ۳۹.۰۵ بوده است که از این منظر استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، قزوین، کردستان، کرمانشاه، گیلان، مازندران، همدان و یزد دارای نرخ‌های بالاتر و استان‌های البرز، ایلام، بوشهر، تهران، چهار محال و بختیاری، خراسان جنوبی، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، کرمان، کهگیلویه و بویر احمد، گلستان، لرستان، مرکزی و هرمزگان دارای نرخ‌های پایین‌تر نسبت به میانگین کشوری بوده‌اند.

همچنین، طبق این آمارها، بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی (۴۳.۸۶) در دوره یاد شده مربوط به استان اردبیل و پایین‌ترین نرخ (۳۰.۵۵) مربوط به استان سیستان و بلوچستان بوده است. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی نیز نشان می‌دهد که در طول نه سالِ مورد بررسی استان هرمزگان بیشترین افزایش (۱۰.۸ درصد) و استان ایلام بیشترین کاهش (۲.۸ درصد) را در طول دوره یاد شده تجربه کرده‌اند (جدول ۱).

اما آمارهای مربوط به شاخص ضریب جینی نشان می‌دهد که متوسط این ضریب در کل کشور در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ برابر با ۰.۳۷۰۹ بوده است که از این منظر استان‌های تهران، سیستان و بلوچستان و گلستان دارای ضرایب بالاتر و استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، بوشهر، چهارمحال بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان و همدان دارای ضرایب پایین‌تر نسبت به میانگین کشوری بوده‌اند. طبق این آمارها، بالاترین ضریب جینی (۰.۴۰۶۹) در دوره یاد شده مربوط به استان سیستان و بلوچستان و پایین‌ترین ضریب (۰.۲۸۱۶) مربوط به استان قزوین بوده است. از منظر تغییرات ضریب جینی در طول دوره مورد بررسی نیز بیشترین افزایش (۰.۲۳۰۳) در استان سیستان و بلوچستان و بیشترین کاهش (۰.۱۲۶۱) در استان مرکزی رخ داده است (جدول ۱).

جدول ۱: وضعیت شاخص‌های اقتصادی به تفکیک استان (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

Table 1: *Economic Indicators by Province in Iran (2013–2021)*

استان‌ها	مشارکت اقتصادی		نرخ تورم		نرخ بیکاری		ضریب جینی		تولید ناخالص داخلی	
	Economic Participation		*Inflation Rate*		*Unemployment Rate*		*Gini Coefficient*		*GDP*	
	میانگین	تغییرات	میانگین	تغییرات	میانگین	تغییرات	میانگین	تغییرات	میانگین	تغییرات
Provinces	*Avg.*	*Changes*	*Avg.*	*Changes*	*Avg.*	*Changes*	*Avg.*	*Changes*	*Avg.*	*Changes*
آذربایجان ش	۴۰.۹۳	۱.۸	۲۶.۲۹	۹.۳	۹.۴۵	-۱.۲	۰.۳۴۳۸	۰.۰۲۲۸	۲۲۷.۶	۰.۳۲
آذربایجان غ	۴۱.۷۵	۱.۹	۲۵.۱۱	۱۲.۵	۱۱.۸۹	-۰.۶	۰.۳۱۹۸	۰.۰۷۸۸	۱۳۳.۸	۰.۲۳
اردبیل	۴۳.۸۶	۳.۷	۲۴.۲۹	۹.۳	۱۱.۳۷	-۲.۴	۰.۳۰۲۶	۰.۰۱۶۳	۶۳.۹	۰.۳۵
اصفهان	۴۰.۷	۱.۴	۲۴.۰۵	۹.۴	۱۲.۶۲	-۲.۶	۰.۳۳۱	-۰.۱۱۳۲	۳۸۹.۴	۰.۳
البرز	۳۸.۲۵	۱.۶	۲۳.۸۶	۱۱.۶	۱۳.۲۷	-۹.۶	۰.۲۹۵۷	۰.۱۱۴۳	۱۷۵.۷	۰.۲۴
ایلام	۳۵.۵	-۲.۸	۲۵.۲۸	۱۹	۱۱.۴۷	-۸.۲	۰.۳۱۳۲	-۰.۱۲۱۴	۸۷.۲	۰.۰۳
بوشهر	۳۶.۸۵	۴.۳	۲۴.۳۷	۱۶.۹	۱۰.۱۵	-۲	۰.۳۰۸۸	-۰.۰۸۲	۳۸۹.۸	۰.۳۹
تهران	۳۸.۵۵	۵.۱	۲۳.۴۹	۱۱.۶	۹.۸۵	-۴	۰.۳۷۴۸	۰.۰۲۹۲	۱۶۲۲.۵	۰.۴
چهار محال‌ب	۳۸.۸۷	۴.۹	۲۷.۱۳	۸.۵	۱۴.۰۴	-۱	۰.۳۱۲۸	-۰.۰۴۵۸	۴۱.۵	۰.۱۷

استان‌ها	مشارکت اقتصادی		نرخ تورم		نرخ بیکاری		ضریب جینی		تولید ناخالص داخلی	
	Economic Participation		*Inflation Rate*		*Unemployment Rate*		*Gini Coefficient*		*GDP*	
	میانگین	تغییرات	میانگین	تغییرات	میانگین	تغییرات	میانگین	تغییرات	میانگین	تغییرات
Provinces	*Avg.*	*Changes*	*Avg.*	*Changes*	*Avg.*	*Changes*	*Avg.*	*Changes*	*Avg.*	*Changes*
خراسان ج	۳۹.۰۴	۳.۹	۲۴.۹۹	۱۶.۴	۷.۷۶	-۱.۱	۰.۳۰۳۸	۰.۰۸۵۵	۳۷.۲	۰.۴
خراسان ر	۴۰.۹۵	۴.۴	۲۳.۳۳	۸.۴	۹.۶۵	-۲.۵	۰.۳۴۰۸	۰.۰۵۵۱	۳۳۸.۶	۰.۲۳
خراسان ش	۴۲.۱۳	۶.۹	۲۶.۲۳	۸.۳	۱۰.۱۸	-۲.۴	۰.۳۳۹۵	۰.۰۲۹۸	۳۵.۱	۰.۵۴
خوزستان	۳۷.۵۹	۶.۲	۲۳.۳۴	۸.۷	۱۲.۸۴	۲.۱	۰.۳۴۴۴	۰.۰۵۱۲	۱۱۵۶.۹	-۰.۲۴
زنجان	۴۱.۹۶	۳.۹	۲۳.۹۳	۱۵.۶	۹.۰۵	-۱.۹	۰.۲۹۹۶	۰.۲۲۰۱	۶۶.۱	۰.۴۸
سمنان	۳۷.۱۷	۳.۲	۲۲.۸	۱۲.۸	۸.۵	-۳.۲	۰.۳۰۷۱	-۰.۰۷۶۴	۵۹.۶	۰.۳۳
سیستان و ب	۳۰.۵۵	۸.۴	۲۵.۹۸	-۰.۴	۱۱.۷۴	-۰.۵	۰.۴۰۶۹	۰.۲۳۰۳	۸۷.۵	۰.۳۸
فارس	۳۸.۱۱	۰	۲۳.۸۲	۱۱.۱	۱۱.۵۸	-۱۰.۹	۰.۳۳۶۷	-۰.۰۵۲۲	۳۲۲.۳	۰.۱۲
قزوین	۴۰.۸۶	۴.۶	۲۳.۲۸	۱۶.۳	۱۰.۷۶	-۵.۲	۰.۲۸۱۶	۰.۰۳۲۹	۹۳.۹	۰.۱۹
قم	۳۵.۴۸	۲.۵	۲۲.۹۴	۹.۳	۱۰.۱۵	-۰.۵	۰.۳۲۶۴	-۰.۰۹۴۵	۶۲.۲	۰.۳
کردستان	۴۱.۲۸	۲.۳	۲۴.۷۴	۹.۲	۱۳.۶۴	-۲.۳	۰.۳۰۰۴	۰.۰۷۵۸	۶۴.۲	۰.۳۲
کرمان	۳۶.۸۹	۶	۲۳.۰۸	۱۲.۲	۹.۲۹	-۰.۹	۰.۳۱۷۴	-۰.۱۸۰۱	۲۰۴.۲	۰.۴۲
کرمانشاه	۳۹.۰۸	۹.۸	۲۴.۳۳	۱۱.۵	۱۵.۷۱	-۰.۸	۰.۳۰۹	-۰.۱۲۰۴	۱۰۸.۲	۰.۲۳
کهگیلویه و ب	۳۳.۸۱	۴.۳	۲۵.۷۴	۱۹.۱	۱۲.۲۵	-۵	۰.۲۸۲۵	۰.۰۲۵۸	۱۵۷.۷	-۰.۳۳
گلستان	۳۷.۸۴	-۰.۶	۲۵.۳۲	۱۲.۵	۹.۹۷	-۱.۱	۰.۳۷۸۲	۰.۰۵۵۷	۷۵.۱	۰.۳۸
گیلان	۴۱.۸۷	۶.۴	۲۳.۷۵	۱۲.۶	۲۰.۷۹	-۷.۴	۰.۳۳۱	-۰.۰۰۷	۱۴۴.۸	۰.۴۱
لرستان	۳۶.۶۲	۴.۳	۲۶.۵۳	۱۲.۸	۱۴.۰۶	-۶.۷	۰.۳۱۳۱	-۰.۰۵۵۸	۷۵.۶	۰.۲۱
مازندران	۴۰.۷۱	۴.۱	۲۳.۸۸	۱۷	۹.۹۷	-۳.۲	۰.۳۰۹۲	۰.۰۹۷۵	۲۲۶.۴	۰.۳۸
مرکزی	۳۶.۰۵	-۰.۳	۲۴.۵۳	۸.۷	۷.۸۹	-۳.۲	۰.۳۰۲۷	-۰.۱۲۶۱	۱۱۸.۷	۰.۲۲
هرمزگان	۳۸.۵۹	۱۰.۸	۲۶.۱۵	۷.۸	۱۱.۴۴	۴.۸	۰.۳۴۵	۰.۲۲۶۹	۱۲۷.۴	۰.۱۴
همدان	۳۹.۶۵	۳	۲۴.۲	۴.۶	۹.۰۱	-۳.۲	۰.۳۴۱۹	۰.۰۱۷۹	۸۴.۴	۰.۲۳
یزد	۳۹.۸۷	۶	۲۴.۹۵	۱۲.۳	۱۰.۲۹	۱.۶	۰.۲۹۴۹	-۰.۱۲۵	۱۲۶.۹	۰.۳۹
کل کشور	۳۹.۰۵	۴	۲۴.۱۴	۱۰.۷	۱۱.۹۴	-۳.۱	۰.۳۷۰۹	۰.۰۵۳۱	۷۰۷۵.۸	۰.۱۵

*(**Source:** Iranian Statistical Center)*

ب) تبیین نرخ‌های نزاع در بین استان‌های کشور

تا اینجا سعی شد توصیف مختصری از وضعیت استان‌های کشور بر اساس متغیرهای مورد بررسی در مطالعه حاضر ارائه شود. در ادامه به تبیین میزان‌های نزاع در استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اقتصادی پرداخته شده است. برای این کار از آزمون‌های آماری دو متغیری (ضریب همبستگی پیرسون) و چند متغیری (رگرسیون چندخطی) استفاده شده است.

مطابق با اطلاعات جدول ۲، بین سه مورد از شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی، شامل ضریب جینی، نرخ بیکاری و نرخ تورم و نرخ نزاع همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد. به عبارت ساده‌تر، این نتایج نشان می‌دهد استان‌هایی که از نرخ تورم، نرخ بیکاری و ضریب جینی بالاتری برخوردارند به مراتب نرخ‌های نزاع بالاتری در مقایسه با سایر استان‌ها نشان می‌دهند. مقایسه همبستگی‌های مشاهده شده از منظر شدت نیز حاکی از آن است که نرخ تورم با ضریب همبستگی ۰/۴۶۴ قوی‌ترین همبستگی را با نرخ نزاع نشان می‌دهد. نرخ بیکاری با ضریب همبستگی ۰/۴۲۱ در رتبه دوم و نهایتاً، ضریب جینی با ضریب همبستگی ۰/۳۴۲ در رتبه آخر قرارگرفته است (جدول ۲).

جدول ۲: همبستگی بین نرخ نزاع و متوسط شاخص‌های اقتصادی (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

Table 2: *Correlation between Conflict Rate and Average Economic Indicators (2013-2021)*

		تولید ناخالص داخلی	ضریب جینی	نرخ بیکاری	نسبت اشتغال	نرخ مشارکت اقتصادی	نرخ تورم
		GDP	*Gini Coefficient*	*Unemployment Rate*	*Employment Ratio*	*Economic Participation*	*Inflation Rate*
متوسط نرخ نزاع	*R*	-۰/۱۴۷	۰/۳۴۲	۰/۴۲۱	-۰/۰۸۷	۰/۰۲۳	۰/۴۶۴
	Sig.	۰/۰۶۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۲۳۲	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰
	N	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲
تغییرات نرخ نزاع	*R*	-۰/۰۳۶	۰/۲۱۱	۰/۲۳۶	-۰/۰۶۹	۰/۰۳۳	۰/۳۰۲
	Sig.	۰/۵۷۱	۰/۰۲۸	۰/۰۲۳	۰/۲۹۸	۰/۴۱۲	۰/۰۰۶
	N	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲

اما در ادامه این بررسی، همان‌طور که مشاهده می‌شود، میزان همبستگیِ شاخص‌های اقتصادی با تغییرات نرخ نزاع در طول دوره مورد بررسی نیز مدنظر قرار گرفته است. نکته جالب در این بخش نتایج آن است که همان شاخص‌هایی که همبستگی‌های معنی‌دار با نرخ نزاع نشان داده‌اند، با تغییرات نرخ نزاع نیز همبستگی دارند. تنها تفاوت مشاهده شده در بین این دو بخش از نتایج به شدت همبستگی‌های مشاهده شده مربوط است. به این معنی که شاخص‌های نرخ تورم، نرخ بیکاری و ضریب جینی همبستگی‌های ضعیف‌تری را با تغییرات نرخ نزاع (در مقایسه با نرخ نزاع) نشان می‌دهند. در اینجا نیز، بررسی شدت همبستگی‌های مشاهده شده نشان می‌دهد که نرخ تورم با ضریب همبستگی ۰/۳۰۲، نرخ بیکاری با ضریب

۰/۲۲۶ و ضریب جینی با ضریب ۰/۲۱۱ به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند (جدول ۳).

در ادامه سعی شده است روابط آماری میان تغییرات شاخص‌های اقتصادی در دوره مورد بررسی و نرخ نزاع نیز مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این بررسی در جدول ۳ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تغییرات نرخ تورم هم با نرخ نزاع و هم با تغییرات نرخ نزاع همبستگی مثبت معنی‌دار نشان می‌دهد. به‌عبارت ساده‌تر، در استان‌هایی که از نرخ تورم بالاتری برخوردار بوده‌اند هم نرخ نزاع و هم میزان افزایش این نرخ به مراتب بیشتر از سایر استان‌ها بوده است. همچنین، داده‌ها نشان می‌دهد که به غیر از تغییرات نرخ تورم، افزایش نرخ بیکاری نیز همبستگی مثبتی با نرخ نزاع نشان می‌دهد (جدول ۳).

جدول ۳: همبستگی بین نرخ نزاع و تغییرات شاخص‌های اقتصادی (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

Table 3: *Correlation between Conflict Rates and Changes in Economic Indicators (2013–2021)*

		تغییرات تولید ناخالص داخلی	تغییرات ضریب جینی	تغییرات نرخ بیکاری	تغییرات نسبت اشتغال	تغییرات مشارکت اقتصادی	تغییرات نرخ تورم
		GDP Change	*Gini Coefficient Change*	*Unemployment Rate Change*	*Employment Ratio Change*	*Economic Participation Change*	*Inflation Rate Change*
متوسط نرخ نزاع	*R*	-۰/۰۲۶	۰/۰۷۴	۰/۱۹۶	-۰/۰۳۳	۰/۰۵۷	۰/۲۴۷
	Sig.	۰/۴۶۲	۰/۱۵۷	۰/۰۳۶	۰/۴۹۶	۰/۳۹۲	۰/۰۱۸
	N	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲
تغییرات نرخ نزاع	*R*	-۰/۰۳۱	۰/۱۴۲	۰/۱۱۳	۰/۰۷۲	۰/۰۵۵	۰/۲۰۵
	Sig.	۰/۴۷۱	۰/۰۷۴	۰/۰۸۵	۰/۱۶۳	۰/۳۸۲	۰/۰۳۳
	N	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲

خلاصه مدل رگرسیونی حاکی از آن است که شش متغیر واردشده در دستگاه رگرسیون، شامل تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی، نرخ بیکاری، نسبت اشتغال، نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ تورم، در مجموع همبستگی ۰/۴۵ را با متغیر نرخ نزاع به نمایش گذاشته‌اند. از سوی دیگر، این شش متغیر در کنار هم مجموعاً توانسته‌اند نزدیک به ۰/۲۵ از تغییرات نرخ نزاع در بین استان‌های کشور را تبیین کنند (جدول ۴).

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیونی

Table 4: *Summary Model of the Regression*

Std. Error of the Estimate	*Adjusted R Square*	*R Square*	*R*	*Model*
۵/۲۷۸	۰/۲۵۴	۰/۲۶۳	۰/۴۴۷	۱

بررسی ضرایب بتای به‌دست آمده نیز حاکی از آن است که ۴ مورد از متغیرهای مستقل، شامل نرخ تورم با ضریب بتای ۰/۳۱۱، نرخ بیکاری با بتای ۰/۲۳۴، ضریب جینی با بتای ۰/۲۱۲ و تغییرات نرخ تورم با بتای ۰/۱۸۷ به ترتیب حائز بیشترین تأثیر معنی‌دار بر متغیر نرخ نزاع بوده‌اند. هر ۴ متغیر دارای تأثیر مثبت و مستقیم بر متغیر نرخ نزاع بوده و این نتایج نشان می‌دهد که افزایش نرخ‌های تورم، بیکاری و ضریب جینی در فاصله میان سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ برافزایش میزان نزاع در استان‌های مختلف کشور مؤثر بوده است (جدول ۵).

جدول ۵: ضرایب تأثیر[a]

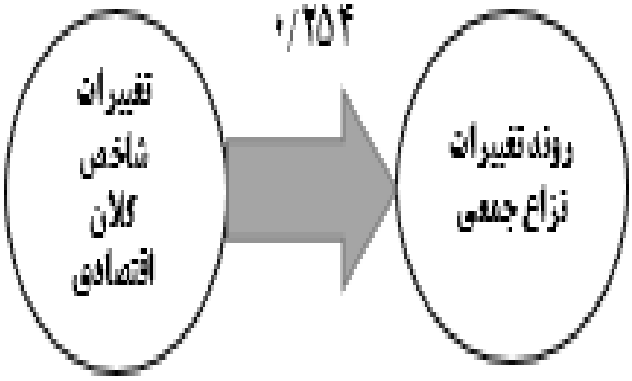
Table 5: *Impact Coefficients*

Model	*Standardized Coefficients* *Beta*	*t*	*Sig.*
تولید ناخالص داخلی	-۰/۰۳۶	۰/۷۱۲	۰/۳۳۱
ضریب جینی	۰/۲۱۲	۴/۲۶	۰/۰۰۳
نرخ بیکاری	۰/۲۳۴	۴/۶۷۴	۰/۰۰۰
نسبت اشتغال	-۰/۰۲۳	-۰/۴۹۱	۰/۳۷۱
مشارکت اقتصادی	-۰/۰۱۵	-۰/۱۸۸	۰/۴۶۵
نرخ تورم	۰/۳۱۱	۶/۲۲۳	۰/۰۰۰
تغییرات تولید ناخالص داخلی	-۰/۰۵۶	-۱/۱۲۷	۰/۲۰۸
تغییرات ضریب جینی	۰/۰۸۱	۱/۵۴۱	۰/۰۹۸
تغییرات نرخ بیکاری	۰/۱۱۱	۲/۲۳۴	۰/۰۶۷
تغییرات نسبت اشتغال	۰/۱۰۵	۲/۳۴۲	۰/۰۸۱
تغییرات مشارکت اقتصادی	-۰/۰۱۲	-۰/۲۱۳	۰/۵۱۱
تغییرات نرخ تورم	۰/۱۸۷	۳/۷۳۲	۰/۰۱۱

بحث و نتیجه‌گیری

نزاع جمعی به معنای ستیز، تضاد و تخاصم بیش از دو نفر یا بیشتر است که بر سر فشارهای اقتصادی ـ مالی با همدیگر درگیر می‌شوند. با توجه به افزایش نزاع جمعی در استان‌های کشور طی فاصله زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ پژوهش حاضر با مرور و بررسی داده‌های رسمی مرکز آمار ایران به مطالعه و بررسی دلایل افزایش نزاع جمعی برحسب شاخص‌های کلان اقتصادی پرداخته است. روش تحقیق از نوع تحلیل ثانویه و داده‌های ملی است. بر این اساس نتایج کلی پژوهش نشانگر تأثیر مستقیم و معنی‌داری شاخص‌های کلان اقتصادی بر افزایش نزاع جمعی در ۳۱ استان کشور بوده است، به این ترتیب:

- بین شاخص‌های کلان اقتصادی و افزایش نزاع جمعی رابطه معنی‌داری وجود داشته و با تغییر در شاخص‌های کلان اقتصادی، نزاع جمعی در ایران در حال نوسان و تغییر بوده است؛ مقدار ضریب بتای کلی آن برابر با ۰/۲۵۴ است که در مدل زیر نشان داده شده است.



شکل ۲: تأثیر تغییرات کلان اقتصادی بر فرایند نزاع جمعی در ایران

Figure 2: *The Impact of Macroeconomic Changes on the Collective Conflict Process in Iran*

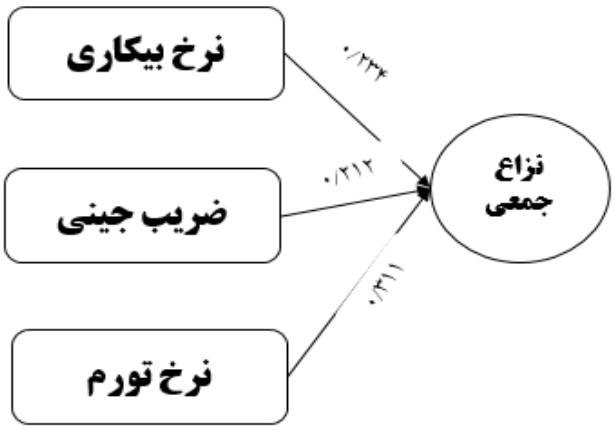
همچنین ابعاد و مؤلفه‌های شاخص اقتصادی مؤید این است که:

- بین نرخ تورم و گرایش به نزاع جمعی همبستگی آماری معنی‌داری وجود داشته و مقدار این رابطه برابر با ۰/۴۶۴ است. هر چه شدت نرخ تورم بیشتر به همان میزان نزاع

جمعی افزایش می‌یابد. متغیر نرخ تورم در مدل رگرسیونی توانسته ۰/۳۱۱ از تغییرات نزاع جمعی را تبیین و پیش‌بینی کند.

- بین نرخ بیکاری و گرایش به نزاع جمعی همبستگی آماری معنی‌داری وجود داشته و مقدار ضریب پیرسون آن برابر با ۰/۴۲۱ بوده است. با افزایش نرخ بیکاری، گرایش به نزاع جمعی در استان‌های کشور افزایش داشته است. نرخ بیکاری در مدل چند متغیره رگرسیونی؛ توانسته ۰/۲۳۴ از تغییرات نزاع جمعی را تبیین و پیش‌بینی نماید.
- بین ضریب جینی و گرایش به نزاع جمعی همبستگی آماری معنی‌داری وجود داشته و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۳۴۲ است و با افزایش ضریب جینی در فاصله زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰، نزاع جمعی نیز افزایش یافته است. متغیر ضریب جینی در مدل رگرسیونی توانسته ۰/۲۱۲ از تغییرات نزاع جمعی در استان‌های کشور را تبیین و پیش‌بینی نماید.

همچنین بر اساس ضرایب بتای محاسبه شده، تأثیر متغیرهای فوق بر نزاع جمعی در استان‌های کشور طی فاصله زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ در شکل تدوین‌شده است.



شکل ۳: تأثیر مؤلفه‌های کلان اقتصادی بر نزاع جمعی استان‌های کشور

Figure 3: *The Impact of Macroeconomic Components on Collective Conflict in the Provinces of Iran*

نزاع به‌عنوان مسئله اجتماعی ـ فرهنگی، نتایج فشارهای اقتصادی و تغییرات فرهنگی ناشی از آن در رفتار اجتماعی است. بحران و کژ کارکردی شاخص‌های عمده اقتصادی (بیکاری، تورم و ضریب جینی)، و ظهور نزاع جمعی دو موضوع و متغیر مهمی هستند که با هم در ارتباطی تنگاتنگ قرار گرفته‌اند؛ زیرا شرایط اقتصادی نگران‌کننده و نامساعد و فشار هزینه‌های مالی روزمره و خانوادگی، بر رفتار، روان، شخصیت، شادکامی و شاد زیستی و در نهایت ذهنیت آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. این تغییرات منجر به افزایش هزینه‌های زندگی و ناتوانی افراد در تأمین نیازهای پایه‌ای، حیاتی و اساسی (خوراک، پوشاک، مسکن) و نیازهای روزمره (خرید و مصرف روزانه) شده و آن‌ها را به استرس، تنش و تضاد در سطح خانواده و اجتماع می‌کند. برای پاسخ به فشارهای کلان اقتصادی و برون‌رفت از آن، پرخاشگرتر شده و دلیل آن تنش بر سر منابع خیر محدود (ثروت، قدرت، زمین، پول و ارثیه خانوادگی ـ عمومی) است و با هدف بهره‌برداری و عبور از خطرهای کاهش قدرت اقتصادی، در مسائل جزئی نیز حساس‌تر و جدی‌تر می‌شوند. فشارهای اقتصادی؛ منجر به کاهش سرمایه اجتماعی میان مردم، کاهش تاب‌آوری اجتماعی خانواده‌ها و در نهایت عادی و حتمی شدن تضاد انسانی بر سر مسائل روزمره اجتماعی ـ خانوادگی می‌گردد. کاهش سرمایه اجتماعی، کمرنگ شدن پیوندهای عمیق و به تعبیری گزلشافتی شدن (سود محوری) ناشی از فشارهای اقتصادی، تعامل جمعی شهروندان را در مسیر تخاصم منافع قرار داده است. کژکارکردی شاخص کلان اقتصادی منجر به تولید فشار اجتماعی شده و رفتار کنشگران رادیکالی و خشن‌تر می‌کند. مطابق این نظریه ناکامی اجتماعی، کمبود منابع و احساس ناامنی غذایی، بی‌عدالتی اقتصادی ـ اجتماعی، شکاف طبقاتی، ناهمگونی طبقاتی جامعه، انسداد کانال پاسخ به نیاز و ناتوانی کنشگران در حل تعارض و انباشتگی آن، به کاهش آستانه تحمل ـ تاب‌آوری جمعی، کاهش سرمایه اجتماعی بین کلان ـ خرد و در نهایت منجر به افزایش کینه، نفرت، کشمکش اجتماعی می‌گردد.

References:

Afshani, A., Karimi-Manjarmooi, Y. (2018). "Examination of Social Factors Influencing the Tendency Towards Collective Conflict in Lordegan City", Social Order Quarterly, 10(1), 49-70. (Persian).

Agbola, T. & Alabi, M. (2003). Political Economy of Resources Development, Environmental Injustice and Selective Victimization: A Case Study of the Niger Delta Region of Nigeria. in Agyeman, J. Bullard, R.D. & Evans, B. (eds), Just Sustainabilities: Development in an Unequal World, 270-288. London: Earthscan.

Aqeli Kohneh Shari, L., Emam Gholipour, S. (2007). "The Impact of Socio-Economic Factors on the Occurrence of Violent Crimes (Case Study: Premeditated Murder)", Karagah, 1(1), 22-37, URL: http://det.jrl.police.ir/article_10552.html?lang=fa. (Persian).

Arman, S. A., Ghorbannezhad, M., & Kafili, V. (2017). "Take a look at inflation in Iran: Varx approach", Applied Economics Studies in Iran, 6(22), 99-121, doi: 10.22084/aes.2017.1882. (Persian).

Ashayeri, T. (2024). A Sociological Study of Collective Conflict in Ardabil Province, Office of Social and Cultural Affairs, Ardabil Governorate.

Azadarmaki, A., Shojaei, M. (2019). Microeconomics in Simple Terms. Tehran: Entrepreneurial University. (Persian).

Banihashemi, F. S., Mohammadi, M. (2011). "Analysis of the Economic Participation Rate in Iran", Iranian Official Statistics Review, 22(2), 137-146. URL: http://ijoss.srtc.ac.ir/article-1-57-fa.html. (Persian).

Brauman, B. (2000). "Real Effects of High Inflation", IMF Working Paper, 00/85 (Washington: International Monetary Fund).

Dehkhoda, A. (1962). Loghatname-ye Dehkhoda, Tehran: University of Tehran. (Persian).

Ghaffari, Gh. (2012). Social Capital and Security Enforcement. Tehran: Sociologists Publications. (Persian).

Giddens, A. (2008). Sociology, translated by Manoochehr Saboori, Tehran: Nashr Ney. (Persian).

Gurr, T. R. (2011). Why Men Rebel, translated by Ali Mershadizad. Tehran: Strategic Studies Research Institute. (Persian).

Iranian Statistical Center (2023). Summary of Results from the 2023 Labor Force Survey. Tehran: Population, Labor Force, and Household Economy Office, URL: https://i.ecc.news/ files/t/ 2023/ 6592963c76eaf.pdf. (Persian).

Kafaie, M., & Nasiri, H. (2010). Introduction and Estimation of Two New Income Distribution Inequality Indices for Iran: The Single-Parameter Gini and Atkinson-Gini Indices. Economics Research, 10(39), 105-138. URL: https://joer.atu.ac.ir/ article_2735. html?lang=fa. (Persian).

Kiani, M., & Fazeli, M. (2021). "Reproduction of Collective Conflict: Analysis of Sociological Content of Mass Dispute Cases in Ahvaz", Order & Security Guards, 14(3), 147-172. doi: 10.22034/ osra.2021.203695.1269. (Persian).

McGuirk, E. & Burke, M. (2017). NBER working paper series: the economic origins of conflict in Africa, Working Paper 23056: national bueeau of economic research, Massachusetts Avenue, Cambridge, MA.

Merton, R. K. (1938). "Social Structure and Anomie", American Sociological Review, 3(5): 672-682.

Mishko, D., Mirakovski, D., Simeonov, S., Cvetkov, S., & Sovreski, Z. (2013). "Relationship between economic freedom and conflict in the Balkan region", International Journal of Scientific & Engineering Research, 4 (10): 433-436.

Momtaz, F. (2002). Social Deviations (Theories and Perspectives), Tehran: Sherkat Sahami Enteshar. (Persian).

Moridi, V. (2011). "Social Factors Influencing Collective Conflicts Leading to Murder in Marginalized Areas of Ahvaz (2006–2010)", Entezame Ejtemaie, 1(1), 11-28. (Persian).

Noori, H., Mivehchi, N. (2016). A Comparative Study of Economic Ethics in Protestantism and Shia Islam. Shi'ite Studies, 14(55), 99-126. URL: https://www.shiitestudies.com/ article_27783. html. (Persian).

Piraee, K., Keshavarzi, M., & Arabi, H. A. (2013). "Determinants of Private Saving in Iran with Emphasis on Real Exchange Rate and Borrowing Constraints", The Macro and Strategic Policies, 1(Vol1-No1), 63-92. doi: 10.30507/jmsp.2013.3270. (Persian).

Purfaraj, A., Gilak Hakimabadi, M. T., Ansari Samani, H., & Bajelan, A. A. (2014). "Religion and Social Behavior: Investigation of the impact of religiosity on cooperative behavior through an experimental study", Economic Essays; an Islamic Approach, 11(22), 187-216. URL: https://iee.rihu.ac.ir/article_917.html. (Persian).

Rabbani, R., Abbasszadeh, M., Nazari, J. (2009). Examination of Socio-Cultural Factors Affecting the Tendency Toward Collective Conflict (Case Study: Selected Districts of Ilam Province). Social Order, 1(3), 103-126. https://www.sid.ir/ fileserver/jf/ 4001213880305.pdf. (Persian).

Seddigh Sarvestani, R. (2008). Social Pathology, Tehran: Samt. (Persian).

Taleb, M., Najafiasl, Z., & Ahmadi Avendi, Z. (2017). "The Qualitative Study of Social-Cultural Factors Effective on Collective Conflicts (Case Study: Izeh City)", Social Development (Previously Human Development), 11(4), 71-102. [In Persian] doi: 10.22055/qjsd.2017.13007. (Persian).

Weber, M. (2009). Basic Concepts of Sociology, translated by Ahmad Sedarati. Tehran: Markaz. (Persian).

Wilkinson, Richard & Pickett, Kate (2014). The Sociology of Health, Wealth, and Justice, translated by Shirin Ahmadnia and Abolghasem Pourreza, Tehran: Samt Publications. (Persian).

Sociological Study of the Effect of Economic Factors on Collective Conflict in the Provinces of the Country during the 2010s

Esmaeil Jahani Dolatababd (Ph.D)[1], *Taha Ashayeri (Ph.D)*[2]
Hossein Heydari[3] *(Ph.D)*

DOI: 10.22055/QJSD.2025.42865.2780

Abstract:

Collective conflict refers to tension, conflict, physical confrontation, and group battles, which are influenced by macroeconomic and structural conditions. Among other components, economic issues are considered to be one of the most impactful factors in intensifying and increasing collective conflict. The results of studies conducted between 2013 and 2021 indicate an increase in the tendency toward collective conflict across the country, with most provinces experiencing this phenomenon to varying degrees. The main objective of this research is to sociologically examine the impact of economic factors and issues on the emergence and continuation of collective conflict in Iran from 2013 to 2023, using secondary data analysis and a national survey approach. The research methodology is secondary data analysis, and the data were analyzed using SPSS 25. The findings are presented and interpreted in two sections: descriptive (frequency tables, frequency charts, and central indices) and inferential (bivariate and multivariate tests). In general, the study confirms a significant relationship between changes in macroeconomic issues and the trend of collective conflict in the provinces. The secondary hypotheses showed that an increase in the Gini coefficient, intensifying unemployment (reduced business and employment opportunities), rising inflation rates, and their fluctuations between 2013 and 2021 have contributed to an increase in collective conflict across Iran.

Key Concepts: *Economic Deprivation, Social Pressures, Frustration, Inflation Rate, Collective Conflict*

[1] Associate Professor in Sociology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding Author), sml.jahani@gmail.com.
[2] Assistant Professor in Sociology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran, t.ashayeri@gmail.com
[3] Assistant Professor in Sociology, Institute for Humanities & Social Studies, ACECR, Tehran, Iran, heidari@acecr.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).